

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س)
سال هشتم، شماره ۲، ۱۳۹۰، پیاپی ۱۶

عدالت زیست‌محیطی در آموزه‌های قرآن و حدیث

سید محمدباقر حجتی^۱

زهرا سلامی^۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۱۵

تاریخ تصویب: ۹۰/۸/۱۷

چکیده

امروزه تعامل نادرست بشر با محیط زیست، باعث برهم‌خوردن توازن زیست‌محیطی شده است؛ به گونه‌ای که علاوه بر پدید آمدن آثار مخرب آن در طبیعت، عدالت در بهره‌برداری از منابع زیست‌محیطی نیز از بین رفته است. با توجه به ظهور نظریه‌های گوناگون درباره تعامل انسان و محیط زیست در دوران معاصر، روشن کردن جایگاه محیط زیست در اندیشه اسلامی، ضروری است. اسلام به‌عنوان یگانه مکتب متعالی و انسان‌ساز در مسیر هدایت انسان به سوی کمال، الگوهایی خاص را برای روابط نهادهای مختلف اجتماعی و اقتصادی، از جمله نهاد تعامل انسان و جامعه‌های انسانی با محیط زیست در نظر گرفته است. با تبیین عدالت به‌معنای گسترده آن می‌توان گفت خلقت جهان، براساس عدالت صورت گرفته و روابط عناصر سه‌گانه انسان، طبیعت و

۱. استاد گروه قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

۲. دانشجوی دکتری گروه قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات z_salami@yahoo.com

جامعه انسانی با خداوند متعال و با یکدیگر، بر محور عدالت ترسیم شده است. به مقتضای عدالت زیست‌محیطی، همان گونه که عمران و آبادانی زمین، برای انسان، واجب است، همین انسان باید از هرگونه تجاوز به حریم طبیعت و محیط زیست پرهیز کند؛ بدین صورت، بهره‌برداری صیانتی از محیط زیست تحقق می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: محیط زیست، عدالت، توازن، حقوق، عدالت زیست‌محیطی، قرآن، حدیث.

۱. بیان مسئله

در گذشته نزدیک، از آنجا که مسئله آلودگی هوا به صورت جدی مطرح نبود، آدمیان از نعمت محیطی پاک بهره‌مند بودند و طبیعت، مورد تهاجم بی‌رحمانه داعیه‌داران رشد و ترقی واقع نشده بود، خطر آلودگی محیط زیست، توجهی چندان را به خود معطوف نکرده بود. امروزه، ظهور و گسترش بحران‌های زیست‌محیطی که دامنه آن، افزون بر انسان‌ها، جانوران و گیاهان را نیز دربر گرفته، سبب شده است که جوامع انسانی به این مسئله، بیشتر توجه کنند.

از سوی دیگر، صیانت از محیط زیست، جهت دست‌یافتن به زندگی سالم برای بهره‌مندی از رفاه مادی، و آرامش روحی، جهت نیل به کمال، یکی از تعامل‌های مورد توجه در آموزه‌های دینی است؛ تا آنجا که از نگاه دین، شناخت اصول زیست‌محیطی و تحصیل آن، پرهیز از تخریب محیط زیست و سعی برای سالم‌نگاه‌داشتن آن، از بارزترین حقوق انسانی و نیز از روشن‌ترین تکالیف بشری به‌شمار می‌رود (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۸۴).

دین اسلام به دلیل جامع و خاتم‌بودن (قران نحل: ۸۹؛ احزاب، ۴۰)، رهنمودها و احکامی دارد که در هر عصری، پاسخ‌گوی نیازهای متغیر انسان‌اند. در روایتی از امام

صادق (ع) نقل شده است:

همانا خداوند تبارک و تعالی قرآن را بیانگر هر چیزی قرار داده است؛ حتی به خدا سوگند که رها نکرده چیزی را که بندگان خدا به آن احتیاج داشته باشند؛ تا آنجا که کسی نمی‌تواند بگوید: ای کاش خداوند، آن را در قرآن بیان می‌کرده و نکرده است (کلینی رازی، ۱۳۶۵ش: ۵۹/۱؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ۷۴/۳).

ماهیت احکام اعتباری، از نوع آلی (وسیله‌ای) است. طبیعت این وسیله را برای هرچه کامل‌تر شدن خود ابداع کرده است و این وسیله، دنباله ادوات فیزیولوژیک طبیعت است؛ پس کامل‌ترین و درست‌ترین احکام تشریحی و قوانین بشری، هماهنگ‌ترین آنها با طبیعت و فطرت است و ناقص‌ترین و غلط‌ترین آنها دورترین و خلاف‌جهت‌ترین آنهاست (مطهری، ۱۴۰۳ق: ۴۷). بنابر آیه شریفه «ماَخَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ» (قرآن، احقاف: ۳)، نظام جهان براساس حق استوار است و به مقتضای اصل انطباق وضع با طبع - که قانونی فطری و عقلی است - روابط و تعامل‌های انسان‌ها با یکدیگر و نیز با طبیعت باید براساس حق و عدالت استوار شود؛ بر این اساس، سؤال اصلی این است که در آموزه‌های قرآنی و حدیثی، الگوی مفهومی عدالت زیست‌محیطی برای حل این مشکل چیست.

نظام‌ها و نهادهای جامعه اسلامی (نظام تشریحی)، با نظام تکوین هماهنگ‌اند؛ بنابراین، به‌گونه‌ای ترسیم شده‌اند که نگرانی بشر را درباره پایداری توسعه - که از تخریب محیط زیست از یک طرف و محرومیت بخش‌های قابل توجهی از صاحبان اصلی منابع (نسل‌های موجود و نسل‌های آینده) از سوی دیگر ناشی است - برطرف می‌کنند و رفاه عمومی را - که برخورداری معنوی را نیز دربر می‌گیرد - تأمین می‌کنند. در این‌گونه نظام‌ها، روابط انسان با خداوند متعال، طبیعت و جامعه انسانی براساس عدل و عاری از هرگونه افراط و تفریط شکل می‌گیرد و توجه به عدالت زیست‌محیطی از منظر قرآن و حدیث، برای ایجاد ضمانت جهت تحقق صیانت از محیط زیست، پیش‌بینی شده است.

در این مقاله، نخست ابعاد محیط زیست و سپس چیستی عدالت را تبیین می‌کنیم و ضمن بیان نظریه مختار در مفهوم عدالت، چگونگی تحقق عدالت زیست‌محیطی را شرح

می‌دهیم. پژوهش حاضر به‌صورت کیفی و تحلیل اطلاعات و مستندات انجام شده است.

۲. محیط زیست در نگرش دینی

شناخت و تعریف دقیق واژه‌های مطرح در هر حوزه، به درک درست مسائل مطرح در آن حوزه کمک می‌کند؛ بنابراین، در آغاز، به مفهوم‌شناسی محیط زیست می‌پردازیم.

۲-۱. معنای لغوی و اصطلاحی محیط زیست

«محیط زیست» ترجمه فارسی واژه Environment به معنای محیط پیرامونی (حییم، ۱۳۸۰ش: ۱/ ۲۵۲) یا احاطه‌کننده اطراف و دوروبر است (آریان‌پور، ۱۳۶۶ش: ۱/ ۳۳۲). از نظر لغت‌شناسان، کلمه «احاطه» به دو شکل استفاده می‌شود: یکی درباره اجسام، مانند: فلان چیز را احاطه کردم؛ دیگری درباره حفظ کردن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۶۵). دیگر کتاب‌های لغت نیز برای واژه «احاطه»، این معنا را ذکر کرده‌اند (طریحی، ۱۳۷۵ش: ۴/ ۲۴۳؛ جوهری، ۱۴۰۷ق: ۳/ ۱۱۲۱؛ قرشی، ۱۳۷۱ش: ۲/ ۱۹۶)؛ بدین سبب، «دیوار» را «حائط» می‌گویند؛ زیرا مکانی معین را دربر می‌گیرد (حسینی زبیدی، ۱۴۰۴ق: ۱۰/ ۲۲۵؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۳/ ۲۷۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ۷/ ۲۷۹). محیط، عبارت است از هرچه انسان را احاطه کند (حجتی، ۱۳۸۰ش: ۱۰۷).

واژه «زیست»، فارسی و به معنای زندگی، حیات و زیستن است (معین، ۱۳۷۱ش: ۲/ ۱۷۱۷)؛ بنابراین، محیط زیست از نظر لغوی به معنای محل زندگی، سکنا و نیز آنچه زندگی را دربر گرفته است، به کار می‌رود.

محیط زیست، از نظر اصطلاحی نیز تعریف‌هایی گوناگون دارد از جمله: «فضایی با تمامی شرایط فیزیکی و بیولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره که همه موجودات زیست‌کننده در آنها را شامل می‌شود و مجموعه روابط بین آنها را دربر می‌گیرد» (دفتر حقوقی و امور مجلس، ۱۳۸۳ش: ۱/ ۱). آنچه ما را احاطه کرده، و ما بر آن اثر می‌گذاریم و آنچه ما را متأثر می‌کند، محیط زیست را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین، همسایه ما، خانه ما، کوچه و خیابان به همان اندازه به محیط زیست ما تعلق دارند که

جنگل‌ها، پرندگان، سیارات، آب، هوا و همه، عوامل و بخش‌هایی از محیط زیست ما هستند (بهرام سلطانی، ۱۳۶۵ش: ۳).

در مجموع، محیط زیست، به تمام محیطی اطلاق می‌شود که انسان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به آن وابسته است و زندگی و فعالیت‌های او در ارتباط با آن قرار دارد (حجاب، ۱۹۹۹م: ۱۱).

با استفاده از تعریف‌های ذکرشده، اندیشمندان و کارشناسان محیط زیست معتقدند محیط زیست به دو بخش تقسیم می‌شود: محیط زیست طبیعی و محیط زیست انسانی (صناعی).

محیط زیست طبیعی به آن بخش از محیط زیست اطلاق می‌شود که بشر در تشکیل آن، نقشی نداشته است؛ بلکه از مواهب‌خدادادی است و جنگل‌ها، مراتع، کوه‌ها، دشت‌ها، رودخانه‌ها، دریاها، باتلاق‌ها، چشم‌اندازها و... را شامل می‌شود. عوامل تشکیل‌دهنده محیط زیست طبیعی، انواع جان‌دار (گیاهان و جان‌داران) و بی‌جان (خاک، آب و هوا) را شامل می‌شود (قوام، بی‌تا: ۵) و در واقع، مجموعه‌ای از پدیده‌های طبیعی و تعادل بین عناصر مؤثر در طبیعت است که حیات بیولوژیکی گیاهان و جانوران را تضمین می‌کند. محیط زیست انسانی (انسان‌ساخت) به آن بخش از محیط زیست اطلاق می‌شود که به‌دست بشر ساخته شده و زاینده تفکر اوست (قرضاوی، ۱۴۲۷ق: ۱۲).

در این مقاله، محیط زیست به معنای طبیعی آن مورد نظر است. محیط زیست طبیعی از اجزاء و عناصری تشکیل شده است که زمینه بقا و زیستن را برای موجودات فراهم می‌کنند و فقدان یا آسیب‌دیدن هر یک از آنها محیط زیست را دچار بحران می‌کند. مهم‌ترین این عناصر عبارت‌اند از خاک، هوا، لایه ازن، جنگل، مرتع و... .

۲-۲. ابعاد بحث محیط زیست

محیط زیست با توجه به وسعت نگرش بدان، از ابعادی مختلف مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. این مقوله، در فلسفه طبیعت‌به‌معنای اندیشیدن انسان در پدیده‌های جهان و بهره‌مندی او از این معرفت، در رفع نیازهای روحی از رهگذر درک زیبایی، تاریخی‌دراز دارد و

پیشینه آن به صدها سال پیش از افلاطون و ارسطو برمی‌گردد (محقق داماد، ۱۳۸۴ش: ۱۳).

۲-۱. نگرش فلسفی به محیط زیست

وجه مشترک حکمت طبیعی در مکتب‌های گوناگون یونان باستان، این است که بنیان‌گذاران همه این مکتب‌ها به جهان و هستی به مثابه یک کل نظر داشتند، گیتی را سازمانی زنده می‌پنداشتند، هر یک از اجزاء طبیعت را- که خود، سازمان‌هایی فرعی از سازواره جهانی‌اند- از روح، نفس و شعور بهره‌مند می‌دانستند و بر این باور بودند که این اجزاء در تشکیل نفس کلی جهان شرکت دارند. از دیدگاه فیلسوفان سازمان‌گرا، بر این جهان پدیده‌های آن، قوانینی حاکم است؛ بنابراین، قوانین طبیعت، از نوع سازمانی است و به رفتار کل سازمان جهانی و نیز رفتار اجزاء در پیوند با کل معطوف می‌شود (فرشاد، ۱۳۶۳ش: ۱۲).

در فلسفه جدید نیز این بحث از مباحث بنیادین در زمینه صیانت ناشی از تخریب محیط زیست است. اگر بخواهیم عنوانی دیگر برای این بحث برگزینیم، «بحث انسان‌محوری یا طبیعت‌محوری» در استفاده از مواهب طبیعی، مناسب است. این بحث با عنوان «ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط زیست» مطرح می‌شود (فهیمی، ۱۳۸۷ش: ۹۸). حال، سؤال این است که آیا نگاه به طبیعت باید تنها سودجویانه و انسان‌محور باشد و چون این عناصر، ابزاری در خدمت منافع انسانی هستند، باید به عناصر طبیعت احترام گذاشت یا اینکه طبیعت ذاتاً و فارغ از منافع انسانی، شایسته احترام و صیانت است و علت احترام گذاشتن به آن، هدفی است که خلقت آن در نظر بوده است. رویکرد دوم، طبیعت‌محور نامیده می‌شود و براساس آن، طبیعت ارزشی مستقل از منافع انسانی دارد.

آثار علمی این اختلاف دیدگاه بدین شرح است: اگر از صیانت محیط زیست سخن گفته می‌شود، آیا به دلیل حفظ منافع بهتر و بیشتر انسان‌هاست یا اینکه چون طبیعت، امانتی نزد انسان‌ها و متعلق به همه نسل‌های بشر است، باید از آن به صورتی عاقلانه و

متعارف استفاده کرد؛ دیگر اینکه اگر براساس ارزش ذاتی طبیعت بدان نگاه کنیم، در این میان، مرزهای جغرافیایی نقشی نخواهند داشت و در نوع استفاده از مواهب طبیعی، محدودیتی ایجاد نخواهند کرد؛ زیرا در این حالت، یک طبیعت وجود دارد که به همه ساکنان حال و آینده جهان متعلق است (فهمی، ۱۳۸۷ش: ۱۰۰).

۲-۲-۲. نگرش دینی به محیط زیست

در نگرش دینی به بحث محیط زیست، عناصر محیط زیست به همه ساکنان فعلی و آینده آن تعلق دارد. در قرآن کریم، زمین و آسمان، مسخر انسان‌ها شمرده شده است: «وَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً» (قرآن، جاثیه: ۱۳)؛ یعنی و آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است، به سود شما رام کرد.

در قرآن، واژه «تسخیر» برای بیان چگونگی رفتار و تماس انسان با طبیعت به کار رفته و همراه با واژه‌های هم‌معنی و هم‌ریشه آن، بارها (۲۵ مورد) در قرآن آمده است (عبدالباقی، ۱۴۲۱ق: ۴۴۱). آیه‌های مورد نظر، حامل پیامی سازنده درباره نگرش اسلام به طبیعت هستند؛ مانند: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقاً لَكُمْ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْفَلَكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ* وَ سَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ دَائِبِينَ وَ سَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ*» (قرآن ابراهیم: ۳۲ و ۳۳).

تسخیر آن است که شیء را به‌غرضی مخصوص، با قهر سوق دهند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۰۲). این کلمه مفهوم «رام کردن» و «رام شدن» دارد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۶/۴۸۶). در قرآن، از مسخر کردن عناصر طبیعی به‌طور عام (قرآن، حج: ۳۶؛ زخرف: ۱۳)، کوه‌ها برای داوود پیامبر (قرآن، ص: ۱۸؛ انبیاء: ۷۹) و باد برای سلیمان پیامبر (قرآن، ص: ۳۶؛ سبأ: ۱۲)، سخن گفته شده است. بدیهی است که در همه این موارد، مقصود آن است که این امور طوری آفریده شده‌اند که رام انسان، و مورد استفاده او هستند.

تسخیر دو قسم است: اول اینکه خداوند متعال به‌صورت مستقیم، جهان را به‌سود

انسان اداره می‌کند تا جهان با نظمی درست بگردد؛ البته نه بدان گونه که انسان بتواند مسیر ماه و خورشید را برگرداند؛ دوم اینکه حضرت حق به خود انسان قدرت داده است تا هرگونه بهره‌برداری از منابع برایش آسان باشد؛ بنابراین، انسان درحیطه فردی و جمعی می‌تواند از عمق اقیانوس تا اوج سپهر را بررسی کند (جوادی آملی، ۱۳۸۷ش: ۲۰۵ و ۲۰۶).

جانشینی خدا روی زمین (قرآن، بقره: ۳۰؛ یونس: ۱۴؛ انعام: ۱۶۵؛ فاطر: ۳۹) ایجاب می‌کند که خدا به بشر، توان و استعدادی عنایت کند تا زمینه شکوفایی، رشد و بالندگی را داشته باشد و بتواند به وظیفه خلیفه‌اللهی خود عمل کند (قرآن، جاثیه: ۱۲ و ۱۳؛ نحل: ۱۴)؛ از این روی، خداوند متعال طبیعت را به گونه‌ای آفریده که همه نیازهای آدمی در آن نهفته باشد؛ همچنین به انسان، ویژگی‌هایی بخشیده که بتواند از طبیعت بهره برد و با استفاده از مواهب الهی نهفته در آن، در روح و جسم خود، شادابی و نشاط بیافریند (حسینی، ۱۳۸۰ش: ۳۲).

در قرآن، آیات متعددی وجود دارند که به گونه‌ای این نکته را بیان می‌کنند؛ مانند: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً» (قرآن، بقره: ۲۹)؛ یعنی اوست آن کسی که آنچه در زمین است، همه را برای شما آفرید.

اصول مکتب زیست‌محیطی اسلام با پشتوانه دینی، در عین حال که به ارتباط انسان با طبیعت معنی می‌بخشد، این ارتباط را آرمان‌ساز، شورانگیز و تعهدآور می‌کند. طبق بیان قرآن، بین اعمال انسان و نظام تکوینی زندگی او، ارتباط و پیوندی نزدیک وجود دارد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ» (قرآن، رعد: ۱۱)؛ یعنی [درحقیقت،] خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند. و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد، هیچ برگشتی برای آن نیست و غیراز او، حمایتگری برای آنان نخواهد بود.

اگر انسان طبق اصول فطرت و قوانین آفرینش عمل کند، برکات الهی شامل حال او می‌شود. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (قرآن، اعراف: ۹۶)؛ یعنی و اگر

مردم آبادی‌ها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم؛ ولی تکذیب کردند؛ پس به [کیفر] دست‌آوردشان، [گریبان] آنان را گرفتیم.

از آن سوی، هرگاه انسان برخلاف قوانین آفرینش عمل کند، نظام آراسته و صالح جاری، به فساد می‌گراید و زندگی او را تباه می‌کند؛ بنابراین، بحران زیست‌محیطی، حاصل انحطاط انسان در عرصه محیط زیست است: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَغْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» (قرآن، شوری: ۳۰)؛ یعنی و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد، به سبب دست‌آورد خود شماست و [خدا] از بسیاری درمی‌گذرد.

۳. عدالت در آموزه‌های دینی

در این مقاله، آموزه عدالت را در معنای وسیع آن به کار برده‌ایم و با توجه به معضلات زیست‌محیطی جوامع، بر عدالت در حیطه محیط زیست تأکید کرده‌ایم.

۳-۱. اهمیت عدالت

در کلام خداوند متعال، عدالت از اساسی‌ترین مفاهیم دینی معرفی گردیده و هدف مهم پیامبران دانسته شده است؛ مانند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (قرآن، حدید: ۲۵)؛ یعنی به‌راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند. در آیه‌ای دیگر آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (قرآن، نساء: ۱۳۵)؛ یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید! پیوسته به عدالت قیام کنید.

در قرآن، همه اصول و هدف‌های اسلامی، از توحید تا معاد، از نبوت تا امامت و از آرمان‌های فردی تا هدف‌های اجتماعی، بر محور عدل استوار است (مطهری، ۱۳۷۲ش: ۲۵ تا ۲۷). اصل عدل می‌تواند تعادل اجتماع را حفظ کند و همه را راضی نگاه دارد، به پیکر اجتماع، سلامت و به روح آن آرامش بدهد (مطهری، ۱۳۵۴ش: ۱۱۳).

در روایتی، امام علی (ع) می‌فرماید: «بِالْعَدْلِ تَنْضَاعُ الْبِرَّكَاتِ»؛ یعنی با اجرای عدالت، برکات [خداوند] دوچندان می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش: ۴۴۶؛ نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۱ / ۳۲۰). در روایتی دیگر، امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْنُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ وَ نَزِلَ السَّمَاءُ رِزْقُهَا وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ بِرَكَّتِهَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى»؛ یعنی در نتیجه اجرای عدالت، مردم بی‌نیاز می‌شوند، آسمان روزی خود را فرومی‌فرستد و زمین برکت خود را به‌اذن خداوند متعال آشکار می‌سازد (کلینی رازی، ۱۳۶۵ش: ۳ / ۵۶۸).

۲-۳. معنای لغوی و اصطلاحی عدالت

عدل به معنای تقسیط بر اساس راستا و کمال است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۵۱) و اعتدال یعنی راستی، میانه‌روی، راست‌شدن و صاف‌شدن. اعتدال حالتی متوسط بین دو حالت در کمیت و کیفیت است که متناسب و متعادل است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۱ / ۴۳۱). معنای جامع در مادهٔ عدل، میانه‌روی، بلکه حالت اعتدال است و به همین مناسبت، به مفاهیمی مانند اقتصاد، میانه‌روی، مساوات، قسط و استقامت، عدل و عدالت اطلاق می‌شود (مصطفوی، ۱۳۷۱ش: ۸ / ۵۵).

معنای اصطلاحی عدل نیز برآمده از معنای لغوی آن و بدین شرح است:

الف) موزون‌بودن و تعادل: عدل در این معنا برابر با «وَضْعُ الشَّيْءِ فِي مَوْضِعِهِ»، یعنی قراردادن هرچیز در جای خویش است. «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹: حکمت ۴۳۷)؛ یعنی عدل، آن میزان و معیاری است که هرچیز را در محل و مجرای خودش و همان‌گونه که شایسته و بایسته است، قرار می‌دهد.

ارسطو عدالت را به معنای تناسب دانسته و قرارگرفتن موجودات در جایگاه طبیعی آنها را اساس این مفهوم شمرده است (کاتوزیان، ۱۳۷۷ش: ۱ / ۱۱۸). از نظر افلاطون نیز عدالت، نوعی تناسب و تعادل در امور است (جمشیدی، ۱۳۸۰ش: ۶۶). مقصود از عدالت اجتماعی، ایجاد توازن (تناسب) در جامعه است. تناسب بدان معناست که هرچیزی در جای خودش و در محدوده‌ای مناسب قرار گیرد (معرفت، ۱۳۸۳ش: ۵۵)؛ بنابراین، نقطهٔ مقابل عدل در این معنا، بی‌تناسبی است.

ب) تساوی و نفی هرگونه تبعیض: عدل، برابری را ایجاب می‌کند و عبارت از تقسیم به صورت مساوی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۵۱؛ طریحی، ۱۳۷۵ش: ۵ / ۴۲۱). عدالت یعنی رعایت تساوی در زمینه استحقاق‌های متساوی و چنین مساواتی از لوازم عدل است (مطهری، ۱۳۷۲ش: ۵۶).

ج) رعایت حقوق افراد و دادن حق به صاحب آن: از نظر فلاسفه، عدل عبارت است از «اعطاء کلّ ذی حقّ حقّه» (سبزواری، ۱۳۷۲ش: ۵۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱ / ۳۷۱). آنچه همواره در قوانین بشری، به معنای عدالت رعایت شده است و همگان آن را محترم می‌شمارند، همین معناست (مطهری، ۱۳۷۲ش: ۵۶).

د) رعایت قابلیت‌ها در افاضه وجود: عادل بودن پروردگار در آن است که در نظام تکوین، به هر موجودی به اندازه قابلیت آن، کمالات وجودی افاضه کند (مطهری، ۱۳۷۲ش: ۵۸).

از چهار معنای اصطلاحی بیان شده، معنای چهارم ناظر بر عدالت الهی است. معنای اول نیز معادل تناسب است که در آن، مصلحت مجموع نظام عالم، مدنظر است؛ نه مسئله حق فرد یا حق هر جزء به طور جداگانه. حتی اگر معنای عدالت، توازن باشد، باز از معنای «اعطاء کلّ ذی حقّ حقّه»، بیرون نیست؛ زیرا توازن اجتماع در آن است که حقوق همه افراد و نیز حق اجتماع رعایت شود.

بر این اساس، در بیانی جامع و شامل هر سه تعریف دیگر از عدالت می‌توان گفت عدالت عبارت از آن است که حق هر موجود، بدون هیچ‌گونه تبعیضی به او داده شود. در این معنا، عدالت نقطه مقابل ظلم است؛ یعنی آنچه موجودی استحقاقش را دارد، به او ندهند یا از او بگیرند؛ همچنین نقطه مقابل تبعیض است؛ یعنی دو موجود در وضعیتی مساوی قرار داشته باشند؛ یک موهبت از یکی دریغ شود و از دیگری گرفته نشود.

حال، سؤال این است که با چنین تعریفی از عدالت، این حق مفروض که باید ادا گردد، چگونه ثابت می‌شود. درواقع، این تعریف، موقوف به آن است که بدانیم حق هر کسی چیست و میزان اعطاء آن به او چگونه باید باشد.

اختلاف نظر در مفهوم عدالت، از اختلاف تفسیر در مفهوم حق ناشی می‌شود. چگونه

بین انسان و شیء رابطه‌ای خاص پیدا می‌شود که نام آن حق است؟ سبب، یا فاعلی است یا غایی. براساس جهان‌بینی اسلامی، بین مواهب و نعمت‌های خدادادی عالم و انسان، رابطه‌ای غایی وجود دارد؛ یعنی یک نوع شعور کلی بر نوامیس عالم حاکم است که چیزی را برای چیزی دیگر به وجود می‌آورد و اگر دومی نباشد، اولی به وجود نمی‌آید (مطهری، ۱۳۷۰ش: ۶۸). از طرفی رابطه فاعلی ذی‌حق با حق بدین گونه است که ذی‌حق مورد حق را خودش برای خودش به وجود می‌آورد و عدالت آن است که حق هر فاعلی به وی داده شود (مطهری، ۱۳۷۰ش: ۷۳).

۴. عدالت زیست‌محیطی در آموزه‌های دینی

۴-۱. مبنای حقوق انسان و محیط زیست

با مشاهده هماهنگی‌های بین اجزای طبیعت- که بیشتر هدفی خاص را دنبال می‌کنند- و نیز با مشاهده سیر تکاملی و جهت‌دار طبیعت درمی‌یابیم نظام طبیعت به نقطه و هدفی معین توجه دارد، برای رسیدن به آن، سیر خود را آغاز کرده و ادامه می‌دهد و تدبیری عام در سراسر جهان و اصلی تنظیم‌کننده- که حیات کلی و جان جهان است- یعنی خداوند متعال، مبدأ این هماهنگی‌ها، توجه، سبب حرکت و وسیله رسیدن به هدف است. گزاره‌های قرآنی‌ای همچون «وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا» (قرآن، ص: ۲۷)؛ یعنی و آسمان و زمین و آنچه را که میان این دو است به باطل نیافریدیم؛ و نیز آیات دیگر (قرآن، تغابن: ۳؛ دخان: ۳۸) بیانگر این مسئله است.

این، همان اصل غایت است و طرز هدف‌گیری در انسان نیز یکی از مصداق‌های آن به‌شمار می‌رود. در نظام طبیعت، اصل تکامل حکم‌فرماست و این تکامل، در موجودات بی‌جان و حیوانات به‌گونه‌ای، و در انسان- که دارای عقل و ادراک مخصوص است- به‌گونه‌ای دیگر دیده می‌شود (طباطبایی ۱۳۷۷ش: ۳/ ۲۵۰ تا ۲۵۷ و ۲۶۲ تا ۲۶۴).

بنابراین، طبیعت دارای هدف است و خداوند استعدادهایی را در موجودات نهاده که آنها را به‌سوی غایت خاص خودشان سوق می‌دهد. از طرفی، هر استعداد طبیعی و فطری، سندی طبیعی برای حقی طبیعی است و در نتیجه، راه تشخیص حقوق، مراجعه

به نظام خلقت است.

این حقوق را قانون آفرینش، بر قانون شرع مقدم قرار داده است. خداوند متعال، قانون آفرینش و قانون شرع را تعیین کرده و قانون شرع را هماهنگ با قوانین فطرت و خلقت، مقرر فرموده است. رابطه غایی، یک رابطه کلی است و از این نظر، هیچ موجودی به صورت بالفعل، حق اختصاصی ندارد. همه موجودات چون مخلوق خدا هستند، در زمین، حق دارند و کسی نمی‌تواند مانع استیفای حق دیگری شود و همه چیز را به خود اختصاص دهد (مطهری، ۱۳۷۰ ش: ۶۹).

۴-۲. حقوق انسان بر محیط زیست

در قرآن کریم، بارها تصریح شده است که براساس قانون خلقت، نعمت‌های عالم برای انسان آفریده شده و مال انسان و حق اوست. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (قرآن، بقره: ۲۹)؛ یعنی اوست آن کسی که آنچه در زمین است، همه را برای شما آفرید؛ بنابراین، هنگامی که علت غایی آفرینش نعمت‌های الهی، بهره‌مندی مردم از آنها و تأمین رفاه عمومی باشد، اگر منابع طبیعی و نعمت‌های زیستی به‌گونه‌ای توزیع شوند که بسیاری از انسان‌ها از مواهبی فراوان بی‌نصیب شوند، نقض غرض از آفرینش نعمت‌ها صورت خواهد گرفت و این خود، دلیلی روشن بر انحراف مسیر است.

در اینجا مفهوم عدالت بین‌نسلی مطرح می‌شود. عدالت در استفاده از منابع زیست‌محیطی، همان گونه که درون یک نسل مطرح است، بین نسل‌ها نیز خود را نشان می‌دهد. خداوند متعال نعمت‌های خود را برای استفاده همگان آفریده است و افراد یک نسل نباید حق نسل‌های دیگر را تضییع کنند. توجه به خطاب‌های عام قرآن مبنی بر اینکه آنچه در آسمان‌ها و زمین است، مسخر و فرمان‌بردار شما قرار داده شده (قرآن، ابراهیم: ۳۲؛ جاثیه: ۱۲ و ۱۳؛ نحل: ۱۴) و یا خداوند آنچه در آسمان‌ها و زمین و بین آنهاست، برای شما آفریده است و یا خداوند زمین را برای مردم قرار داد (قرآن، الرحمن: ۱۰؛ بقره: ۲۹)، به‌وضوح، بر این مسئله دلالت می‌کنند که نعمت‌های خدا به افراد، گروه‌ها و حتی مردم زمان یا مکانی معین اختصاص ندارد؛ بلکه همه مردم در بهره‌برداری از آنها با یکدیگر شریک‌اند.

در برخی روایت‌ها، به حق نسل‌های آینده تصریح شده است؛ از جمله امام صادق (ع) در پاسخ به سؤالی درباره زمین‌ها می‌فرمایند: این زمین‌ها برای تمام مسلمانان است؛ اعم از کسانی که امروز مسلمان‌اند و یا روزهای بعد مسلمان می‌شوند و نیز کسانی که بعدها متولد می‌شوند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۱۷/۳۶۹).

براساس مفهوم عدالت بین‌نسلی، منابع و عناصر محیط زیست باید به‌گونه‌ای استفاده شوند که نه تنها نسل حاضر به حیاتی مورد پسند دست یابد، بلکه از نسل‌های آینده و

نیازهایشان نیز غفلت نشود. نسل امروز هیچ برتری‌ای بر نسل‌های آینده ندارد که به واسطه آن، حق بهره‌برداری از منابع طبیعی و محیط زیست را در انحصار خود بداند؛ بنابراین می‌توان گفت آموزه‌های دینی، تنها عدالت مقطعی را مورد توجه قرار نداده و به نسل‌های آینده نیز توجهی خاص کرده است.

حال، سؤال این است که انسان‌ها با چه شرایطی، حق استیفا از حقوق و نعمت‌های الهی را می‌یابند. در اینجا، تکلیف و حق به هم گره می‌خورد، فعلیت حق استیفا بر اثر انجام وظیفه و تکلیف، تحقق می‌یابد و بحث رابطه فاعلی مطرح می‌شود. رابطه فاعلی ذی‌حق با حق، بدین گونه است که ذی‌حق، مورد حق را خودش برای خودش به وجود می‌آورد؛ به دیگر سخن، رابطه از نوع فعل و فاعل است و فاعلیت ذی‌حق، مسبب قلمداد می‌شود؛ بنابراین، حق او است که از ثمره کار خودش استفاده کند؛ پس کار، منشاء ایجاد حق برای بهره‌مندی از نعمت‌های الهی است؛ یعنی حق بهره‌مندی از مواهب الهی با تکلیف کار گره خورده است و حق استیفا و انجام تکلیف، با هم رابطه ملازمت دارند. رابطه غایی انسان با مواهب الهی، سبب ایجاد حق بالقوه انسان بر مواهب الهی است که با انجام تکلیف (کار)، فعلیت می‌یابد و موجب بهره‌مندی انسان می‌شود (مطهری، ۱۳۷۰ش: ۷۳ و ۷۴).

درباره ملازمت تکالیف و حقوق، امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «لایجرى لاحدٍ اِلا جَرى علیه، و لایجرى علیه اِلا جَرى له» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: خطبه ۲۱۶)؛ یعنی حقی برای کسی نیست؛ مگر آنکه به عهده‌اش هم حقی هست و به عهده کسی حقی نیست؛ مگر آنکه به نفع او هم هست؛ یعنی تکلیف و حق از یکدیگر جدا نیستند؛ اگر کسی حقی دارد، تکلیفی هم همراه آن حق دارد.

بنابر آیه «هُوَ اَنْشَأَكُمْ مِنَ الْاَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (قرآن، هود: ۶۱)؛ یعنی او شما را از زمین پدید آورد و در آن، شما را استقرار داد، آبادانی، نقطه مقابل ویرانگری است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۸۶؛ طریحی، ۱۳۷۵ش: ۴۹/۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ۱/۳۴۷). کلمه استعمار، به معنای طلب عمارت است؛ یعنی از انسانی بخواهند زمینی را آباد کند؛ به طوری که آماده بهره‌برداری شود؛ البته بهره‌ای مورد نظر است که از آن زمین

توقع می‌رود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۰/۳۱۰)؛ بنابراین اگر انسان بخواهد از پستان مادر زمین، شیر بخورد، شیر آماده نیست و باید با عمل، عمران، احیاء و فعالیت، آن را آماده کرد؛ بدین ترتیب، انسان درمقابل حقی که بر مادر زمین دارد، مسئولیتی هم دربرابرش دارد که عبارت از آبادانی آن است (مطهری، ۱۳۷۰ش: ۷۵). انسان به‌عنوان جانشین حق تعالی، مأمور آبادانی زمین است؛ به بیان دیگر، خداوند متعال توان آبادکردن زمین را به آدمیان داده و ایشان را به‌سوی آبادانی گرایش داده است.

از امام محمد باقر (ع) نقل شده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حِينَ أَهْبَطَ آدَمَ (ع) مِنَ الْجَنَّةِ أَمْرَهُ أَنْ يُخْرِثَ بِيَدِهِ فَيَأْكُلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ بَعْدَ نَعِيمِ الْجَنَّةِ» (نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۱۳/۴۶۲، مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۱/۲۱۲، حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۹/۳۶)؛ یعنی رسول خدا (ص) فرمود: خداوند عزّ و جلّ هنگامی که حضرت آدم (ع) را از بهشت هبوط داد، به او امر فرمود که به‌دست خویش زراعت کند و بعد از نعمت‌های بهشتی، از دست‌رنج خود بخورد. در حدیثی دیگر از امام باقر (ع) آمده است: «أَيُّمَا قَوْمٍ أَحْيَا شَيْئًا مِنَ الْأَرْضِ وَ عَمَرُوهَا فَهَمَّ أَحَقُّ بِهَا وَ هِيَ لَهُمْ» (کلینی رازی، ۱۳۶۵ش: ۱۵/۲۷۹)؛ یعنی هر قومی که زمینی را احیاء و آبادان کنند، به آن زمین سزاوارترند و آن زمین از آن ایشان خواهد بود.

۳-۴. حقوق محیط زیست بر انسان

همان گونه که گفتیم، دستگاه خلقت، موجودات را به‌سوی کمال سوق می‌دهد و آنها را به ابزارهایی مجهز می‌کند که با استفاده از آنها در راه تکامل گام بردارند و استعدادهایشان به فعلیت برسد. محروم‌کردن استعداد هر موجودی- در هر اندازه‌ای که باشد- ظلم است؛ مثلاً مرغ را در قفس نگاه‌داشتن، ظلم است؛ اما از گوشت او استفاده‌کردن برای یک موجود کامل‌تر، ظلم به‌شمار نمی‌رود. برای تعیین ظلم باید تمام دستگاه طبیعت را با هم درنظر گرفت و مشخص کرد چه چیز، مانع تکامل طبیعت می‌شود و چه چیز این‌گونه نیست. بین استعدادها از یک سوی و وسایل و تجهیزات رسیدن به آنها ازسوی دیگر، تناسب برقرار است (مطهری، ۱۳۸۰ش: ۱۹۸/۵ تا ۱۹۹).

از دیدگاه ابن عربی نیز حق هر چیز، در آفرینش آن ریشه دارد. و ما نمی‌توانیم مثلاً حق خاک را بشناسیم و ادا کنیم؛ مگر اینکه هدف از آفرینش آن را بدانیم و ببینیم این خاک در کجای عالم قرار گرفته است، چه توانایی‌هایی دارد و چگونه ویران می‌شود (حکمت، ۱۳۸۷ش: ۱۳)؛ به عبارت دیگر، حق موجودات دیگر از آنجا پیدا می‌شود که طبیعت برای هر مخلوقی در سیر تکاملی خود، مسیر و مداری معین کرده است و سعادت آن موجود، در این است که در مسیر تکامل خود حرکت کند.

بر اساس آنچه درباره عدالت در تکوین گفتیم، خلقت اولیه جهان، متناسب و بدون هیچ‌گونه نقص است و همه گونه‌های حیاتی (جانوران و گیاهان) در چرخه زیست، متناسب و به‌میزان ضرورت آفریده شده‌اند. هماهنگی در بهره‌برداری گونه‌های مختلف از طبیعت، طوری است که به تناسب حاکم بر آن، آسیبی وارد نمی‌کند. وجود لایه ازن به‌صورت محافظی برای کره زمین، هماهنگی بین جاذبه و گریزازمرکز، و هزاران مسئله دیگر، برگی کوچک از کتاب بزرگ آفرینش است که بر قدرت، حکمت، علم و عدل الهی، و به‌دنبال همه آنها، به تناسب و توازن مجموعه هستی گواهی می‌دهد: «الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ مِنْ تَفَٰوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ» (قرآن، ملک: ۳)؛ یعنی همان که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید. در آفرینش آن خدای بخشایشگر، هیچ‌گونه اختلاف و تفاوتی نمی‌بینی. باز بنگر. آیا خلل و نقصانی می‌بینی؟! «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (قرآن، سجده: ۷)؛ یعنی همان کسی که هر چیزی را که آفریده است، نیکو آفریده است؛ «صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ» (قرآن، نمل: ۸۸)؛ یعنی [این] صنع خدایی است که هر چیزی را در کمال استواری پدید آورده است.

حسن درمقابل قبح (جوهری، ۱۴۰۷ق: ۵ / ۲۰۹۹؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۱۴ / ۱۳) عبارت است از هر چیزی که بهجت آورد و انسان به‌سوی آن رغبت کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۲۵) و شامل زیبایی و نکویی است (قرشی، ۱۳۷۱ش: ۲ / ۱۳۴). حقیقت حسن عبارت است از سازگاری اجزای هر چیز با هم و سازگاری همه اجزاء با غرض و غایتی که خارج از ذات آن است. دقت در خلقت اشیاء که هر یک دارای اجزایی موافق و

متناسب با یکدیگر است و اینکه مجموع آن اجزاء، مجهز به وسایل رسیدن آن موجود به کمال و سعادت خویش است و اینکه این مجهزبودنش به‌نحوی است که بهتر و کامل‌تر از آن تصور نمی‌شود، این معنا را به‌دست می‌دهد که هریک از موجودات، فی‌نفسه و برای خودش دارای حسنی است که کامل‌تر از آن، برای آن موجود تصور نمی‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۴۸/۱۶).

با این بینش، هرگونه اقدامی که موجب برهم‌خوردن تعادل و تناسب محیط زیست شود؛ به طوری که استفاده پیشین از آنها ممکن نباشد و به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، منافع و حیات موجودات زنده به مخاطره بیفتد، خلاف عدالت و موجب فساد است. در قرآن کریم آمده است: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (قرآن، اعراف: ۵۶)؛ یعنی و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید. از این آیه مطالب زیر استنباط می‌شود: خداوند متعال زمین را بدون فساد آفرید و آن را جایگاهی شایسته برای زندگی انسان‌ها قرار داد؛ تخریب آبادانی‌های زمین و هدردادن امکانات طبیعی آن، از مصداق‌های فسادگری در زمین به‌شمار می‌رود و فسادگری در زمین، حرام است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۱ش: ۴۷/۱۶).

در قرآن کریم، مصداق بارز مفسدان روی زمین، کسانی دانسته شده است که آن را تخریب می‌کنند و کشت و نسل را نابود می‌کنند: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَأِيْحِبُّ الْفَسَادَ» (قرآن بقره: ۲۰۵)؛ یعنی و چون برگردد [یا ریاستی یابد]، می‌کوشد که در زمین، فساد و کشت و نسل را نابود کند، و خداوند تباه‌کاری را دوست ندارد. تمام کسانی که به‌شکل‌های گوناگون، امکان استفاده از زمین را از بین می‌برند یا با آلوده کردن هوا، اسراف در مصرف منابع و...، زمینه نابودی نسل‌های آینده را فراهم می‌کنند، مشمول این آیه هستند.

بنابراین در قرآن، طبیعت قابل رام‌شدن برای انسان دانسته شده است و انسان می‌تواند به هر صورتی، از آن بهره‌برداری کند؛ اما انسان باید بین تسخیر و تخریب، تفاوت قائل باشد و بداند که بهره‌برداری از طبیعت باید بگونه‌ای باشد که جریان حیات همچنان برای نسل‌های آینده شاداب بماند و هرگونه دست‌یازی بی‌رویه و ناسالم به

طبیعت، ستمی بدان است که طبیعت آرام و رام را ناآرام و نافرمان می‌کند (ولایی، ۱۳۸۴ش: ۱۰۰).

در سخنان معصومان (ع) نیز توصیه‌هایی فراوان درباره رعایت حقوق طبیعت از سوی انسان مشاهده می‌شود. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ النَّهَائِمِ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹ش: خطبه ۱۶۷)؛ یعنی درباره بندگان خدا و سرزمین‌هایشان تقوا پیشه کنید؛ زیرا شما در پیشگاه خداوند مسئولید؛ حتی درباره زمین‌ها و حیوانات. در روایتی از پیامبر (ص) آمده است: «وَ تَحْفَظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمَّكُمْ وَ لَيْسَ فِيهَا أَحَدٌ يَعْمَلُ خَيْرًا أَوْ شَرًّا إِلَّا وَ هِيَ مُخَبَّرَةٌ بِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۱۷ / ۱۱۶؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱۵ / ۶۴۹)؛ یعنی در نگهداری زمین بکوشید و به آن حرمت نهید که مادر شماست. هرکس بر روی آن، کار نیک و یا بد انجام دهد، خبر خواهد داد. در روایتی دیگر از ایشان نقل شده است: «لِلدَّابَّةِ عَلَىٰ صَاحِبِهَا خِصَالٌ سِتٌّ يَبْدَأُ بِطَلْفِهَا إِذَا نَزَلَ وَ يَغْرَضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ وَ لَا تَضْرِبُ وَجْهَهَا فَإِنَّهَا تَسْبَحُ بِحَمْدِ رَبِّهَا وَ لَا يَقِفُ عَلَىٰ ظَهْرِهَا إِلَّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا يَحْمَلُهَا فَوْقَ طَاقَتِهَا وَ لَا يَكْلِفُهَا مِنَ الْمَشْيِ إِلَّا مَا تَطِيقُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۱ / ۴۷۸؛ صدوق، ۴۰۳ق: ۱ / ۳۳۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۶۱ / ۲۰۱)؛ یعنی حیوان شش حق به‌گردن صاحبش دارد؛ آنکه هر جا از آن پیاده شد، به او علف دهد و برایش آب بیاورد؛ به صورتش نزد؛ زیرا آن حیوان نیز تسبیح خدا می‌کند؛ بر پشتش جز در راه خداوند نشیند؛ بیشتر از توانش بر آن بار نگذارد و در راه رفتن، جز آنچه در توانش است، به او تکلیف نکند.

در روایتی نقل شده است: «رَأَيْتُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ (ع) يَأْكُلُ وَ بَيْنَ يَدَيْهِ كَلْبٌ كُلَّمَا أَكَلَ لَقْمَةً طَرَحَ لِلْكَلبِ مِثْلَهَا فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! أَلَا أُرْجِمُ هَذَا الْكَلْبَ عَنْ طَعَامِكَ؟ قَالَ: دَعَهُ إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنَ اللَّهِ تَعَالَىٰ أَنْ يَكُونَ ذُو رَوْحٍ يَنْظُرُ فِي وَجْهِهِ وَ أَنَا أَكُلُ ثُمَّ لَأَطْعِمُهُ» (نوری، ۱۴۰۸ق: ۸ / ۲۹۵)؛ یعنی امام حسن (ع) را در حال تناول دیدم که درمقابل ایشان، سگی ایستاده بود. هر لقمه‌ای که میل می‌فرمودند، مانند آن را برای سگ هم می‌انداختند. به ایشان عرض کردم: ای پسر رسول خدا! نمی‌خواهید سگ را از غذای شما دور کنم؟ ایشان فرمودند: رهایش کن. من از خداوند حیا می‌کنم که صاحب

روحی در صورت‌م نگاه کند؛ در حالی که من غذا می‌خورم، و او را اطعام نکنم. بدین ترتیب، فقیهان به اتفاق آراء، به لزوم تأمین وسایل زندگی برای هر جان‌داری معتقدند، معیارشان نجات جان حیوان است و میان حیوانات و نوع آنها تفاوتی قائل نمی‌شوند. حتی اگر حیوان قابل بهره‌برداری نباشد، نجات جان او لازم است (علامه حلی، ۱۴۱۰ق: ۲ / ۳۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۹: ۲ / ۵۷۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۶ق: ۸ / ۵۰۲؛ بحرانی، ۱۴۰۹ق: ۲۵ / ۱۴۲؛ انصاری، ۱۴۱۵ق: ۴۸۸). وسایل زندگی که مالک هر حیوانی موظف به تأمین آن است، عبارت‌اند از: خوراک، پوشاک، آشامیدنی، مسکن، دارو و بهداشت متناسب با زمان و مکان (نجفی، ۱۳۶۷ش: ۳۱ / ۳۹۴ و ۳۹۵).

همچنین از دیدگاه فقیهان شیعه، شکار حیوانات از سر خوش‌گذرانی و تفریح حرام است؛ بدین سبب گفته‌اند اگر کسی برای تفریح به شکار رود، باید نمازش را تمام بخواند؛ زیرا سفرش، سفر معصیت است (طوسی، ۱۳۶۵ش: ۳ / ۲۰۷؛ بحرانی، ۱۴۰۹ق: ۱۱ / ۳۸۰؛ حسینی عاملی، ۱۴۲۳ق: ۱۰ / ۳۳۲؛ یزدی، ۱۴۲۰ق: ۳ / ۴۳۹؛ موسوی خویی، ۱۳۶۷ش: ۸ / ۱۰۷؛ جعفری، ۱۳۷۷ش: ۱۱۸؛ حسینی شیرازی، ۱۳۸۷ش: ۳۲۵).

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ عَصْفُورًا عَبَثًا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَعْجُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى يَقُولُ يَا رَبِّ إِنَّ هَذَا قَتَلَنِي عَبَثًا لَمْ يَنْتَفِعْ بِي وَ لَمْ يَدْعُنِي فَأَكَلْ مِنْ حَشَاةِ الْأَرْضِ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۶ / ۱۳۰؛ نوری، ۱۴۰۸ق: ۸ / ۳۰۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۶۱ / ۲۷۰)؛ یعنی کسی که گنجشکی را بیهوده بکشد، در روز قیامت، این پرنده فریادکنان نزد پروردگار می‌آید و می‌گوید: خداوند! این فرد مرا بیهوده کشت، از کشتن من سودی هم نبرد و به من اجازه نداد از روزی‌ام ارتزاق کنم.

در روایت‌هایی بسیار، مسلمانان به درخت‌کاری، زراعت و دیگر فعالیت‌هایی تشویق شده‌اند که به‌نحوی در طراوت و سرسبزی محیط مؤثرند؛ مثلاً در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ إنْسَانٌ أَوْ طَيْرٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ» (نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۳ / ۴۶۰)؛ یعنی مسلمانی که نهالی بکارد یا زراعتی کند و از آن، انسان، پرنده یا حیوانی بخورد، در نامه اعمال او، ثواب صدقه نوشته می‌شود. در روایتی دیگر از ایشان نقل شده است: «مَنْ غَرَسَ غَرْسًا فَأَثْمَرَ أُعْطِيَ

اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنَ الثَّمَرَةِ» (نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۱۳ / ۴۶۰)؛ یعنی کسی که درخت میوه‌ای بکارد، خداوند به اندازه ثمر آن به او اجر می‌دهد.

در مناسک حج و در حرم امن الهی، احترام به انواع گونه‌های جانوری و گیاهی، یکی از بزرگ‌ترین مظاهر مدارا با موجودات دیگر است. در مراسم حج، به مسلمانان یادآوری می‌شود که شکار حیوانات و قطع درختان و گیاهان در حالت احرام، از محرمات است و اگر حاجی مرتکب آن شود، باید کفاره بپردازد. نکته قابل توجه این است که کفاره تمام محرمات احرام، مبتنی بر تعدد و قصد است؛ در حالی که برای صید، حتی در صورت توجه نکردن نیز باید کفاره داد (موسوی خمینی، ۱۳۷۷ش: ۸۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵ش: ۳۰۳).

۵. نتیجه‌گیری

منابع زیست‌محیطی به‌عنوان آیات و مظاهر الهی، معرفی و تکریم شده و به‌صورت امانت در اختیار انسان قرار گرفته‌اند؛ بنابراین، رفتار انسان به‌عنوان خلیفه خداوند متعال درباره این امانت، باید براساس عدل صورت گیرد و از هرگونه تعدی‌ای دور باشد.

عدالت مورد توجه در این مقاله، معنایی گسترده دارد. عدالت تکوینی به‌معنای تعادل جهان خلقت و برخورداری همه مخلوقات از ظرفیت متناسب با خود است؛ به گونه‌ای که این مخلوقات بتوانند در جهت هدف نهایی خود حرکت کنند. در این معنا، همه چیز به‌اندازه آفریده شده و در خلقت اولیه جهان، به‌صورت ظرف رشد و تکامل انسان، هیچ نقصانی وجود ندارد.

حق صیانت از محیط زیست از آنجا پیدا می‌شود که طبیعت برای هر مخلوقی در سیر تکاملی خود، مسیر و مداری معین کرده و سعادت آن موجود در این است که در مدار و مسیر خود حرکت کند؛ بنابراین، آنجا که طبیعت، مسیر حرکت تکاملی موجودات و عناصر موجود در طبیعت را قرار داده است، نباید آن مسیر را سد کرد؛ مگر آنکه آن را در مسیری دیگر - که آن را هم طبیعت معین کرده است - قرار دهیم؛ بدین ترتیب، وجود تمام گونه‌های حیوانی و گیاهی و نیز آنچه در زمین و آسمان است، در چرخه حیات،

ضرورت دارد. از طرف دیگر، نعمت‌های خداوند متعال به همه انسان‌ها و در همه اعصار تعلق دارد و حقوق نسل‌های آینده نیز با توجه به عدالت بین‌نسلی رعایت می‌شود. همان گونه که گفتیم، حتی دیگر موجودات نیز در این مواهب، سهم دارند و گاه حق آنان بر انسان مقدم می‌شود.

در نظام حقوقی اسلام، همه موجودات، گیاهان و عناصر چرخه زیست‌محیطی، دارای حق هستند و انسان در برابر آنها مسئول است. نتیجه این تأکیدها و رهنمودهای حقوقی و اخلاقی، حفظ تنوع زیست‌محیطی و جلوگیری از برهم‌خوردن تعادل در آن است؛ بنابراین، نظام عادلانه زیست‌محیطی، نظامی است که توازن زیستی را براساس تأمین حقوق متقابل از سوی ارکان محیط زیست تعریف می‌کند. چنین نظامی صیانت از محیط زیست را در راستای تعالی انسان و جامعه می‌بیند و تمامی نیازهای مادی، معنوی، فکری و اخلاقی انسان را متناسب با پایداری محیط زیست پاسخ می‌دهد. حقوق گونه‌های حیاتی اعم از جانوری و گیاهی، مورد احترام است و مصالح نسل‌های بعد، همواره مورد توجه انسان‌های امروز قرار دارد. در چنین وضعیتی، دچار شدن به بحران‌های زیست‌محیطی کنونی ممکن نیست؛ در نتیجه، انسان‌های تربیت‌شده در دامان آموزه‌های قرآن و حدیث می‌توانند تعامل عادلانه زیست‌محیطی مورد نظر در نظام تکوین و تشریح را استمرار بخشند و بهره‌برداری صیانتی از محیط زیست را محقق کنند.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۳ش). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- نهج البلاغه (۱۳۷۹ش). ترجمه محمد دشتی. قم: مشهور.
- آریان پور کاشانی، عباس و منوچهر (۱۳۶۶ش). فرهنگ انگلیسی به فارسی. تهران: امیرکبیر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.

- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). *کتاب النکاح*. تحقیق لجنه تحقیق تراث الشیخ الاعظم. قم: المؤتمر العالمی بمناسبه الذکری المئویہ الثانیه لمیلاد الشیخ الانصاری.
- بحرانی، یوسف (۱۴۰۹ق). *الحدائق الناضره*. تحقیق محمدتقی ایروانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- بنسون، جان (۱۳۸۲ش). *اخلاق محیط زیست: مقالات و مقدمات*. ترجمه عبدالحسین وهابزاده. مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.
- بهرامسلطانی، کامبیز (۱۳۶۵ش). *مقدمه‌ای بر شناخت محیط زیست*. سازمان حفاظت محیط زیست.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶ش). *غررالحکم و دررالکلم*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۷ش). *رسائل فقهی*. تهران: نشر کرامت.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰ش). *نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، امام خمینی، شهید صدر*. تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره).
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ش). *سرچشمه اندیشه: مجموعه مقالات و مقدمات قرآن و حدیث*. تنظیم: عباس رحیمیان محقق. قم، نشر اسراء.
- _____ (۱۳۸۶ش). *اسلام و محیط زیست*. تنظیم و تحقیق: عباس رحیمیان. قم: نشر اسراء.
- _____ (۱۳۸۷ش). *تفسیر انسان به انسان*. تحقیق و تنظیم محمدحسین الهی‌زاده. قم: نشر اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). *الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه*. تحقیق احمد عبدالغفور عطار. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حجاب، محمدمنیر (۱۹۹۹م). *التلوث و حمايه البيئه*. مصر: دارالفجر.
- حجتی، سید محمدباقر (۱۳۸۰ش). *اسلام و تعلیم و تربیت*. بخش اول. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- حرّ عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه الی تحصیل الشریعه*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسینی، سید علی (۱۳۸۰ش). *طبیعت و محیط زیست از دیدگاه اسلام*. تهران: نشر آیه حیات.
- حسینی زبیدی، سید محمد مرتضی (۱۴۰۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. تحقیق علی شیری. بیروت: دارالفکر.
- حسینی شیرازی، سید محمد (۱۳۸۷ش). *اسلام و محیط زیست*. ترجمه سید حسین اسلامی اردکانی. قم: یاس زهرا (س).
- حسینی عاملی، سید محمد جواد (۱۴۲۳ق). *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*. تحقیق و تعلیق شیخ محمد باقر خالصی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حکمت، نصرالله (۱۳۸۷ش). «نسبت انسان و طبیعت از نگاه ابن عربی». *ماهنامه پژوهشی اطلاعات حکمت و معرفت*. تنظیم حسین شقاقی و غلامرضا حسین پور. مؤسسه اطلاعات. س ۳. ش ۳.
- حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن الحسن معروف به محقق حلی (۱۴۰۹ق). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. تحقیق سید صادق شیرازی. تهران: استقلال.
- حلی، ابی‌منصور حسن بن یوسف بن المطهر معروف به علامه حلی (۱۴۱۰ق). *ارشاد الالذهان الی احکام الایمان*. تحقیق شیخ فارس حسون. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حییم، سلیمان (۱۳۸۰ش). *فرهنگ انگلیسی فارسی حییم*. تهران: فرهنگ معاصر.
- دفتر حقوقی و امور مجلس (۱۳۸۳ش). *مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست ایران*. تهران: نهاد ریاست جمهوری.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. تحقیق صفوان

- عدنان داوودی. بیروت: دارالعلم الدار الشامیه.
- سبزواری، ملاحادی (۱۳۷۲ش). *شرح الاسماء الحسنی*. تحقیق نجفقلی حبیبی. تهران: دانشگاه تهران.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۷ش). *اصول فلسفه و روش رئالیسم*. مقدمه و پاورقی به قلم مرتضی مطهری. تهران: صدرا.
- _____ (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تحقیق و مقدمه محمدجواد بلاغی. تهران: ناصرخسرو.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش). *مجمع البحرین و مطلع النیرین*. تحقیق سید احمد حسینی. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵ش). *تهذیب الاحکام فی شرح المقننه*. تحقیق سید حسن موسوی خراسانی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- عاملی، زین الدین بن علی بن احمد معروف به شهید ثانی (۱۴۱۶ق). *مسالك الافهام*. تحقیق مؤسسه معارف اسلامی. قم: مؤسسه معارف اسلامی.
- عبدالباقی، محمدفؤاد (۱۴۲۱ق). *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*. قم: ذوی القربی.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق). *تفسیر نورالثقلین*. تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی. قم: اسماعیلیان.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*. تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی. قم: هجرت.
- فرشاد، مهدی (۱۳۶۳ش). *طبیعیات ارسطو*. تهران: امیرکبیر.
- فهیمی، عزیزالله (۱۳۸۷ش). *مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست*. رساله دکتري حقوق خصوصي. دانشگاه امام صادق (ع).

- «فلسفه حقوق محیط زیست و آثار آن». فصلنامه پژوهش‌های فلسفی- کلامی دانشگاه قم. س ۹. ش ۳۵.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۶ق). تفسیر صافی. قم: الهادی.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱ش). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- قرضاوی، یوسف (۱۴۲۷ق). رعایه البیئته فی شریعه الاسلام. قاهره: دارالشروق.
- قوام، میرعظیم (بی تا). حمایت کیفی از محیط زیست. تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷ش). فلسفه حقوق. تهران: شرکت سهامی انتشارات.
- کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۵ش). الکافی. تهران: چاپ دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۴ش). «محیط زیست طبیعی از دیدگاه حکمت متعالیه» خردنامه صدرا. ش ۴۲.
- مصطفوی، حسن (۱۳۷۱ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مؤسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۴ش). سیری در نهج البلاغه. قم: مرکز مطبوعاتی دارالتبلیغ اسلامی.
- (۱۳۷۰ش). بیست گفتار. تهران: صدرا.
- (۱۳۷۲ش). عدل الهی. تهران: صدرا.
- (۱۳۸۰ش). یادداشت‌های استاد. جلد پنجم. تهران: صدرا.
- (۱۴۰۳ق). بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی. تهران: حکمت.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۳ش). «عدالت مهدوی در قرآن». مجله انتظار. ش ۱۳.
- معین، محمد (۱۳۷۱ش). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.

- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۷ش). *مناسک حج*. ترجمه و توضیح عبدالکریم بی‌آزار شیرازی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۶۷ش). *کتاب‌الصلوة*. قم: منشورات مدرسه دارالعلم.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۷ش). *جواهرالکلام فی شرح شرایع‌الاسلام*. تحقیق محمود القوجانی. تصحیح سید ابراهیم المیانجی. تهران: ناشر المطبعة الاسلامیه.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق). *مستدرک‌الوسائل و مستنبط‌المسائل*. قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء‌التراث.
- ولایی، عیسی (۱۳۸۴ش). *الگوهای رفتار با طبیعت (محیط زیست) از دیدگاه قرآن و سنت*. رساله دکتری رشته علوم قرآن و حدیث. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر (۱۳۸۱ش). *تفسیر راهنما*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی قم.
- یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۲۰ق). *عروه‌الوثقی*. تحقیق مؤسسه انتشارات اسلامی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- یوسفوند، محمد (۱۳۸۴ش). «تعریف محیط زیست و اقسام آن». *مجموعه مقالات اولین همایش فقه و محیط زیست*. سازمان حفاظت محیط زیست استان قم و مرکز جهانی علوم اسلامی.